

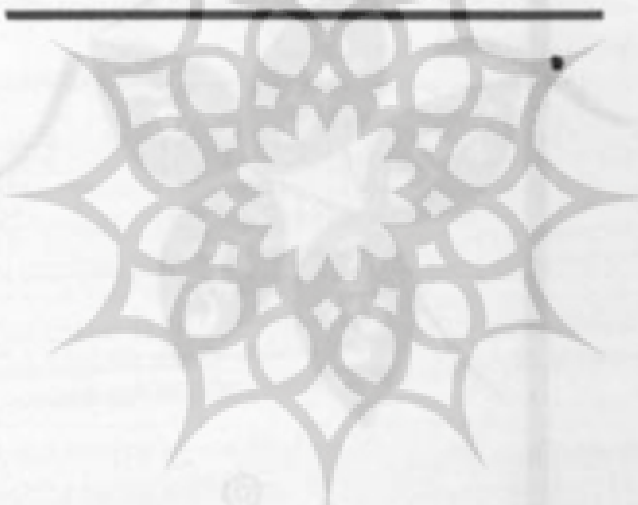


سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

رعایت اصول اخلاقی در روزنامه‌نگاری

نوشته: کاسپر س. پوست
ترجمه: مهین دخت صبا

روزنامه‌ای که هر روز منتشر می‌شود کما بیش عبارت از ثبت وقایعی است که بنحوی از انحاء متضمن موازین و اصول اخلاقی می‌باشد. در ضمن این وقایع مواردی که در آنها اصول اخلاقی نقض گردیده، بیش از مواردی که این اصول رعایت شده، مشاهده می‌شود. چون نقض این اصول انحراف جستن از وضع عادی و معمولی است و همین امر است که توجه مردم را بخود جلب می‌کند. همیشه چیزهای غیر عادی و غیر معمولی است که توجه و حس کنجکاوی اشخاص را تحریک می‌نماید و موجب ایجاد واقعه‌ای می‌شود که ما برآن اصطلاح خبر اطلاق می‌کنیم. نقض قوانین اخلاقی، تا آنجا که روزنامه بدرج خبر آنها مبادرت می‌ورزد، حاکی از انحرافات اخلاقی و رفتار و حرکات غیرطبیعی و غیر معمولی انسانی می‌باشد و از آغاز ایجاد تمدن تاکنون نیز چنین بوده است. بندرت اتفاق می‌افتد که توده مردم از موازین اخلاقی که هزاران سال پیش در جوامع متعدهن برای روابط انسانی ضروری تشخیص داده شده است، تا آن پایه منحرف شوند که توجه عموم را جلب کند. ولی روزنامه همچنین ممکن است شامل مواردی باشد که در آنها رعایت اصول اخلاقی بطور برجسته و غیرعادی مشهود باشد و باین جهت درخور آن باشد که عنوان خبر بر آنها اطلاق شود، و روزنامه‌ها بمنظور تشویق مردم از پیروی از این اصول بدرج آنها مبادرت ورزند.



مشرکانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

فصل اول در بیان اهمیت اخلاق در روزنامه‌نگاری

فصل دوم در بیان اصول اخلاقی در روزنامه‌نگاری

فصل سوم در بیان نقض اصول اخلاقی در روزنامه‌نگاری

فصل چهارم در بیان راهکارهای رعایت اصول اخلاقی در روزنامه‌نگاری

فصل پنجم در بیان نتیجه رعایت اصول اخلاقی در روزنامه‌نگاری

روزنامه‌ها تا حد بسیاری با مظاهر تجاوزات اخلاقی، خواه مثبت و یا منفی، سروکار دارد و خود در زمینه پیشرفت و ارتقای اصول اخلاقی تأثیر و نفوذ زیادی دارد و بالااقل باید داشته باشد و چون ارائه دهنده و تفسیر کننده این اصول است تابع آنها نیز می‌باشد. روزنامه نباید هیچ چیز را از مردم مخفی کند و هرچه می‌کند، چه خوب و چه بد، باید آنرا در معرض نظریات و انتقادات عموم قرار دهد. زیرا کار آن آشکار ساختن و فاش کردن است و وجودش با این امر بستگی دارد. به عبارت دیگر روزنامه نمی‌تواند زندگی خصوصی داشته باشد و چون وظیفه‌اش افشای مطالب است نمی‌تواند خود را پنهان سازد. البته انگیزه آنرا ممکن است بانواع مختلف تعبیر و تفسیر کرد ولی کارها و اقدامات روزانه آن آشکارا در معرض افکار و عقاید عمومی قرار می‌گیرد. بنابراین روزنامه دائما متضمن موازین اخلاقی است و ناچار از رعایت آنها می‌باشد. اصول اخلاقی برای جنبه معنوی و مادی روزنامه حائز اهمیت فراوان است.

چون روزنامه با روابط انسانی سر و کار دارد و در ضمن انجام دادن این خدمت اجتماعی پیوسته تمهیداتی را می‌پذیرد اصول اساسی و ضروری آن ناگزیر جنبه اخلاقی دارد. ممکن است عده‌ای روزنامه نگار که رهبری یک روزنامه را بعهده داشته و مسئول اداره آن بوده‌اند، در تعقیب این حرفه موفقیت بدست آورده و احترام عموم را جلب کرده باشند، بی‌اینکه اصول اخلاقی را باین طریق مورد توجه قرار داده و یا در مغز خود حتی یک قانون اخلاقی که بکار آنها بستگی داشته باشد تشکیل داده باشند، ولی در عین حال روزنامه خود را با رعایت این اصول رهبری کرده باشند. بسی شک میلیونها تن اشخاص یافت میشوند که راجع به «ده فرمان» کوچکترین اطلاعی ندارند، ولی مانند کسانی که از آنها بطور کامل آگاهند قوانین و مقرراتی را که در ضمن این اوامر مقدس آمده است رعایت میکنند. هر فردی، آگاه یا ناآگاه، تحت تأثیر نوعی از موازین اخلاقی قرار می‌گیرد. این موازین ممکن است عالی و یا پست، دامنه‌دار و یا کاملاً محدود باشند و در اقدامات و فعالیت‌های شخصی در کلیه مواقع و یا گاهگاه مؤثر واقع شوند، ولی تأثیر آنها بنوعی و تا حدودی در رفتار

و اعمال وی مشهود و نمایان باشد و حال آنکه خود او از وجود یک چنین موازین بعنوان یک چیز تشکیل شده آگاه نباشد. تأثیر موازین اخلاقی که بکار مورد قبول واقع گردد و بمورد اجرا گذاشته شود از آگاهی نسبت به آن موازین دامنه‌دارتر و با نفوذتر است. سالها پیش از اینکه برای قبیل موازین اصطلاح اصول اخلاقی و با اصطلاحی مشابه آن اطلاق گردد و پیش از اینکه موازین اخلاقی تشکیل و تصویب شود، از این اصول پیروی میشد. ولی با وجود این تشکیل و تصویب موازین اخلاقی ضروری بنظر میرسید، چون لازم بود مقیاس و میزانی برای حق و ناحق و درست و نادرست تعیین شود تا مردم را در کردار و رفتار خود براه راست هدایت کند و چنانچه از این راه منحرف شوند بوسیله قانون و یا جامعه محکوم گردند. عده‌ای از مردم که نه تنها مقررات و موازین را ضروری میدانستند، بلکه به لزوم آنها برای نظم اجتماع و تعدیل رفتار و کردار بشری پی‌برده بودند آنها را فراگرفتند و بکار بستند و در نتیجه عده‌ای که ضرورت این مقررات و موازین را درک نکرده بودند نیز تحت تأثیر قرار گرفتند و دریافته‌اند برای بدست آوردن مقام و مرتبه‌ای در جوامعی که بوسیله این مقررات و قوانین نظارت می‌شود ناچار باید تا اندازه‌ای رفتار و کردار خود را با آن اصول وفق دهند. کلیه افرادی که از لحاظ اخلاقی پیشرفت کرده‌اند بی‌شک اصول اخلاقی و نظریه حق و راستی را از پیشوایان علم اخلاق آموخته‌اند. این نظریات در ضمن قوانین کم و بیش معینی برای راهنمایی بشر تدوین شده است. باید این نکته را نیز متذکر گردید که ترقی و پیشرفت مادی نیز مهیسا نیست، مگر اینکه با پیشرفت اخلاقی توأم باشد. چه هر اندازه پیشرفت مادی افزونتر گردد وضع و روابط اجتماعی پیچیده تر میشود و در نتیجه نیازمندی بموازین و مقررات اخلاقی، که میتوان در هدایت و راهنمایی این روابط آنها را مورد استفاده قرار داد، بیشتر میگردد.

افراد جامعه بشری بطور کلی و یا افراد و دسته‌ها و گروه‌هایی که دارای مصالح و منافع مشترک میباشند ممکن است نسبت به حق و راستی و درستی دارای نظریه و عقیده خاص خود باشند و آنرا بطرزیکه خاص خود آنهاست بمورد عمل گذارند و یا اساسا نسبت به حق هیچگونه نظر و عقیده‌ای

نداشته باشند و بدون در نظر گرفتن رعایت آن عمل کنند. چون موازین و مقررات شناخته شده‌ای نسبت به حق در مورد این علاقه و منفعت مشترک وجود ندارد راهنمای هر فرد چگونگی شخصیت او خواهد بود. چنانچه موازین شخصی یک فرد نسبت به حق و ناحق عالی باشد رفتار و کردار وی نسبت به منافع مشترک آن گروه نیز عالی خواهد بود. ولی چنانچه این موازین پست باشد بی‌شک رفتار و کردارش نیز چنین خواهد بود. عقیده و نظریه شخصی نسبت به حق، تنها راهنمای فرد بشمار میرود و بهیچوجه نمیتوان در فردی که نسبت به حق، نظریات و عقاید پستی دارد نفوذ کرد و او را مجبور ساخت تا نسبت به آن عقاید و نظریات عالی‌تری کسب کند و بضروری بودن و پسندیده بودن کسب چنین نظریاتی پی‌برد. اما معمولا تجلیات طبیعت انسانی چنین است که بکار بستن موازین پست اخلاقی در یک دسته و گروه، تا آنجا که حیثیت و نام آن دسته مورد توجه است، تأثیر افزونتری دارد تا بدست آوردن موازین عالیتر. بعبارت دیگر ممکن است طرز رفتار و کردار اکثریت اعضای یک گروه سرزنش ناپذیر باشد ولی گروه مزبور بطور کلی از سرزنش‌هایی که بواسطه سوء رفتار اقلیت اعضا متوجه آن میشود لطمه می‌بینند و رنج می‌کشند. سوء رفتار این اقلیت را نمیتوان حمل بر این کرد که بعد اتخاذ این روش را بروش دیگر ترجیح داده‌اند، بلکه علت آن عدم درک اصول بهتر و یا اساسا فکر نکردن نسبت به اصول است. در صورت فقدان مقررات و موازین شناخته شده برای رفتار و کردار انسان، شخص ناگزیر، بانظریات فردی، نسبت به حق خود را اداره می‌کند و در صورت عدم این قبیل نظریات و یا عدم توجه نسبت به مشخصات اخلاقی، خواسته‌های فردی که براساس شخصیت استوار است راهنمای او می‌شود. تا هنگامیکه دسته یا گروهی برای راهنمایی افراد و اعضای آن گروه موازین اخلاقی معینی برقرار نسازد مقیاس معینی که بتوان بوسیله آن رفتار اعضا را نسبت بیکدیگر مورد قضاوت قرار داد و یا اشخاص بی‌فکر و نادان را که توجهی باین قبیل اصول ندارند متوجه قصور خود کرد، وجود نخواهد داشت. همچنین اکثریت گروه نخواهند توانست مشوق اقلیت شوند و آنها را وادار سازند موازینی را که در رفتار و اخلاق خود رعایت می‌کنند ارتقاء

دهند و با موازین اخلاقی آنها را تطبیق دهند. با توجه باین نکات است که گروهی دسته‌های مختلف، خواه حرفه‌ای و خواه جز آن، لزوم تاسیس قواعد و قوانین اخلاقی را برای حفظ و ارتقای پیشرفت منافع گروه و همچنین منافع فرد اعضای آن درک کرده‌اند.

ولی در کلیه موارد، این امر، هنگامی امکان پذیر می‌شود که کلیه افراد اصول اخلاقی را مورد توجه قرار دهند و برای هدایت و راهنمایی خود موازینی تشکیل دهند و بآن ترتیب اصول واقعی و خاصی برقرار سازند که توجه و تفکر دیگران را نیز بهمین رشته جلب کند. اینکار معمولاً بکندی انجام می‌پذیرد و هنگامی صورت تحقق بخود می‌گیرد که افراد دریابند منافع جمعی از منافع فردی متمایز می‌باشد و در عین حال برای منافع فردی ضروری و لازم است و منافع جمعی را باید بعنوان پیشرفت کلی و انفرادی حفظ کرد و ارتقاء داد. بعبارت دیگر باید ابتدا این نکته را دریافت که کلیه افراد اعضای یک دسته هستند و با توجه باین امر هدفها و منافع جمعی برای خودتشکیل دهند. چنانچه بخواهیم منافع مشترک پیشرفت کند باید برای ارتقای موازین و هدفهای مشترک بعنوان وسیله ترقی و پیشرفت بکوشیم و چنانچه بخواهیم یک گروه و یا دسته بطور کلی و جمعی از لحاظ مادی و معنوی پیشرفت نماید، نخست باید آنرا بعنوان یک واحد مورد توجه قرار داد و سپس بر طبق روش معینی آنرا پیشرفت داد.

شاید روزنامه نگاری هرگز از وجود نمایندگان که بمسئولیت های اخلاقی جدا توجه داشته‌اند بی‌نصیب نبوده است و عده زیادی از سردبیران در این زمینه افکار خود را بمورد اجرا گذاشته و آنها را بصورت قوانین برای هدایت روزنامه خود تدوین کرده‌اند. مثلاً سالها قبل که «جرج و. چایلندز» روزنامه «فیلادلفیا پابلیک لجر» را منتشر ساخت.

«ویلیام و. ماکین» سردبیر آن روشی برای رعایت اصول اخلاقی در سرمقالات خود اتخاذ کرد که تقریباً شامل کلیه اصول اخلاقی بود که باید در روزنامه نگاری مورد توجه قرار گیرد. اصول و مقررات مزبور از این قرار است:

همواره نسبت بمردم عادلانه رفتار کنید و با سراحت لهجه با آنها سخن بگوئید.

روزنامه‌ای که میخواهد مورد احترام و اطمینان مردم واقع شود باید اطلاعات و نظریات اطمینان بخشی بآنها ارزانی دارد. گمراه کردن مردم کار بسیار خطرناکی است.

راجع به کیفیت مطلبی مبالغه نکنید و اغراق روا ندارید، بلکه شایسته است که شدت مطالب و وقایع را آنچه واقعا هست کمتر نشان دهید.

برای کلیه مطالبی که اظهار میکنید مدرکی داشته باشید، بویژه برای اظهاراتی که جنبه خورده‌گیری و انتقاد دارد.

بین متهم بودن به ارتکاب جنایت و مجرم بودن فاصله زیادی هست.

همواره با متخلفان و خطاکاران ضعیف و بی‌پناه با ملایمت رفتار کنید.

پیش از قضاوت بکوشید که هر دو طرف امر را بطور دقیق مورد توجه قرار دهید و بخاطر داشته باشید که هر امری لاقلاً دو طرف دارد و برای اتخاذ تصمیم ناچار باید هر دو طرف را مورد مطالعه قرار داد.

هنگامیکه مطلبی را فقط شنیده‌اید نگویید که میدانید.

هیچگاه بر اساس شایعات اقدام نکنید. زیرا شایعات تنها فرصتی است که باید بوسیله تحقیق آنرا تعقیب کرد.

بکوشید که اظهارات شما عین واقع باشد. انتشار مطالب راست و درست بهتر از این است که اخبار عاری از حقیقت را زودتر از سایر روزنامه‌ها منتشر کنید. تاخیر در انتشار اخبار البته خوب نیست ولی انتشار اخبار غلط و نادرست بدتر است.

برای کسب اطلاعات همواره به منابع اصلی مراجعه نمائید و چنانچه این امر امکان پذیر نباشد تا حد امکان به منابع نزدیکتر بآن رجوع کنید. وظیفه خبرنگار ثبت تاریخچه وقایع و جمع‌آوری حقایق است و وظیفه سردبیر این است که حقایق مزبور را تفسیر کند.

بکوشید واقعه‌ای را با ذکر حقایق و طرز استدلال شرح دهید، نه با لفاظی و عبارات پردازی.

هیچگاه در مورد مطلبی بطور قاطع اظهار عقیده نکنید و همواره بخاطر داشته باشید که ممکن است اشتباه کنید.

کلیه افراد در دادگاه وجدان و همچنین

در دادگاه قانون دارای حقوق مساوی هستند. هرگز آتش هیجان و خشم عمومی را دامن نزنید.

در امور عمومی هیچ چیز مانند عادت بعدم رعایت قانون مخل نظم و آرامش و انتظامات نیست. در برقرار ساختن نظام از مقامات دولتی پشتیبانی کنید و چنانچه بی‌عدالتی مشاهده کردید، از طریق قانونی در صدد رفع آن برآئید. اگر نقضی در قانون موجود است اصلاح قانون بر نقص آن برتری دارد. تقریباً همیشه قانون بحد کافی موجود است و قصور در رعایت آن است که موجب فتنه و اغتشاش می‌گردد.

رعایت رفاه عمومی برسیدگی بتقاضاهای هر حزب یا جمعیتی تقدم دارد.

در نگارش، رعایت زیبایی عبارات و همچنین عفت قلم همیشه خوب و مطبوع است ولی هرگز نباید بجای جملات روشن و مستقیم و موثر عبارت پردازی کرد و به لفاظی پرداخت. بکار بردن کلمات و عبارات ساده در خور فهم اشخاص معمولی است و در ضمن افراد دانشمند و تحصیل کرده نیز آن را درک میکنند.

نکات مذکور شامل فلسفه قابل تحسین و اصول اخلاقیست و نشان میدهد که موجد این قوانین خصوصی دارای عقلی سلیم بوده و حق و عدالت را با تیزبینی و ذکاوت مورد مطالعه قرار داده است.

«وارن ج. هاردینگ» نیز قوانین مشابهی برای رهبری روزنامه خود وضع کرده ولی در وضع آنها احساسات بیش از عقل رعایت شده است. قوانین مزبور بقرار ذیل است: بخاطر داشته باشید که هر مسئله دارای دو طرف و دو جهت است. هر دو جانب را رعایت کنید.

راست بگوئید و حقایق را جمع آوری کنید.

اشتباه اجتناب ناپذیر است، ولی تا حد امکان بکوشید که اظهارات شما راست و درست باشد. بعقیده من نوشتن یک مقاله کاملاً درست برنگارش صد مقاله نیمه راست ترجیح دارد.

محبوب و عادل و سخی باشید. بجای زمین زدن اشخاص بآنها کمک کنید.

در هر کسی جنبه های خوب اخلاقی وجود دارد. بکوشید تا این جنبه‌ها را تقویت کنید و هرگز بی‌جهت احساسات کسی را

جریحه‌دار نسازید .

هنگام تهیه گزارش درباره يك مجمع سیاسی ، حقایق را بگوئید و مطالب را آنچنان که هست ذکر کنید نه بدانسان که شما میخواهید . با کلیه احزاب یکسان رفتار کنید . درباره سیاست فقط دوسرمقاله بحث کنید .

کلیه مطالب را که جنبه مذهبی دارند با احترام مورد بحث قرار دهید .

در صورت امکان هرگز مرد یا زن یا کودکی را با ذکر خلاف کارها و خطا کاری های خویشاوندانشان رسوا و خوار نسازید .

برای انجام دادن کاری صبر نکنید تا آنرا از شما تقاضا کنند ، بلکه پیش از تقاضا آنرا انجام دهید . پاک باشید و هرگز اجازه ندهید يك کلمه موهن و یا يك مقاله و یا داستان و سوسه‌آمیز در روزنامه شما منتشر شود .

من میل دارم روزنامه طوری رهبری و اداره شود که بهرخانه‌ای راه یابد ، بی‌اینکه موجب فساد اخلاق کودکان بیگناه شود .

نکات دیگری راجع به رعایت اصول اخلاقی در روزنامه‌نگاری در ضمن مجموعه‌ای بنام « آئین روزنامه‌نگاری » تالیف « والتر ویلیامز » خاطر نشان گردیده که چون بسیار روشن و صریح است بذکر آن مبادرت می‌ورزیم . من بحرفه روزنامه‌نگاری ایمان دارم .

من معتقدم که يك روزنامه عمومی يك امانت عمومی است و کلیه اشخاصی که بنحوی از انحاء با آن رابطه دارند امانت‌دار عموم بشمار می‌آیند و در این زمینه مسئولیت کامل بعهده دارند و قبول هر خدمتی کمتر و پائین‌تر و پست‌تر از خدمت عمومی ، خیانت در این امانت است .

بعقیده من اندیشه صریح و بیان روشن و صحت و عدالت اساس روزنامه‌نگاری خوب را تشکیل میدهند .

من معتقدم روزنامه‌نگار باید تنها بدرج مطالبی مبادرت ورزد که خود از صحت آنها اطمینان دارد .

من معتقدم که جلوگیری از پخش اخبار برای منظور و مقصودی جز رفاه جامعه گناهی نابخشودنی است .

من معتقدم که هیچ فردی بعنوان روزنامه نگار نباید مطالبی بنویسد که بعنوان يك فرد شریف و نجیب از گفتن آنها ابا داشته باشد . رشوه دادن و رشوه خواستن هر دو

مدموم است . با کسب دستور از اشخاص دیگر یا هنگام احقاق حق و یا شناختن سهم دیگری از خود سلب مسئولیت نکنید .

من معتقدم که اعلانات و اخبار و سرمقالات باید نظر خوانندگان را تامین کند و برای اطمینان از صحت و پاکی و خلوص این مطالب باید مقیاس واحدی موجود باشد ، و عالیترین نوع آزمایش روزنامه روزنامه‌نگاری خوب میزان خدمات عمومی آن است .

بعقیده من روزنامه‌نگاری که در حرفه خود کسب موفقیت می‌کند و مستحق چنین موفقیتی است ، روزنامه‌نگاریست که از خداوند میترسد و برای انسان احترام قائل است ، دارای استقلال کامل است ، فرور عقیده و یا حرص قدرت او را تحت تاثیر قرار نمیدهد ، شخصی مفید و اغماض کننده است ، ولی هرگز بی‌دقت و اهمال‌کار نیست . بردبار است و تملک نفس دارد و همواره برای خوانندگان خود احترام قائل است ، ولی هرگز بیم‌بخودراه نمیدهد . هر نوع بی‌عدالتی او را متفر میسازد ، تقاضاهای افراد برجسته و یا هباهوی توده مردم در او موثر واقع نمیشود ، کوشش میکند فرصتی در اختیار هر يك از افراد بگذارد و با در نظر گرفتن قانون و استحقاق افراد و آئین برادری در این زمینه مساوات را رعایت می‌کند . حسن میهن پرستی را بی‌الاترین درجه داراست و در عین حال با کمال صمیمیت برای ایجاد حسن نیت و رفاقت در میان ملل جهان میکوشد . تنها يك چنین روزنامه‌نگاریست که میتوان آنرا انسانی و از آن دنیای امروز و برای دنیای امروز دانست .

مثال های مذکور برای نشان دادن عقاید و هدفهای روزنامه‌نگاران کافی است . هیچکس نمیتواند بگوید که چند مجموعه قوانین مشابه ، بطور خصوصی ، برای راهنمایی روزنامه‌های بخصوص تهیه گردیده است ، ولی قدر مسلم این است که اکثر روزنامه‌نگاران که مسئولیت هدایت روزنامه‌ای را بعهده دارند و موضوع رعایت اصول اخلاقی را در حرفه روزنامه‌نگاری مورد توجه خاص قرار داده‌اند چنین اصولی را شناخته و برای بکار بستن آنها کوشیده‌اند . برخی دیگر همچنانکه گفته شد ناآگاه آنها را بکار بسته‌اند و چون طبیعت آنها بهمینسان بوده است جز این توانسته‌اند رفتار کنند .

چون این قبیل اصول جنبه انفرادی دارد و در مورد هدایت و رهبری کار و فعالیت‌های انفرادی بکار میرود ، بطور کلی در این حرفه

تاثیر زیادی ندارد ، مگر اینکه بکار بستن آنها دیگرانرا نیز تحت تاثیر قرار دهد ، یعنی موجب شود که دیگران سرمشق بگیرند ولی تاثیر این کار نیز محدود است و علاوه بر این اصول خاصی را که انگیزه و محرک این طرز عمل شده است ظاهر نمیسازد .

موازین انفرادی همیشه انفرادی باقی خواهند ماند و مانند طبایع مختلف متنوع میباشند .

موازین و مقیاسهای مشترك و همگانی را که مورد شناسائی و تصویب عموم مردم واقع می‌شود تنها از طریق نظریات و اقدامات دسته‌جمعی میتوان تعیین کرد و در نتیجه اصول اخلاقی معین و خاصی تنظیم نمود تا عموم مردم آنرا رعایت کنند و بعنوان راهنمایی بطرف راه صحیح و همچنین مقیاس و میزانی برای کار درست از آن استفاده نمایند . انجمن سردبیران روزنامه های آمریکا در سال ۱۹۲۳ به تدوین يك چنین قوانینی مبادرت کرد و آن را قوانین روزنامه‌نگاری نام نهاد ، قوانین مزبور بقرار ذیل است :

وظیفه اصلی و اساس روزنامه‌نگاری این است که احساسات و افکار افراد انسانی را به نوع بشر انتقال دهد .

بنابراین تعقیب کنندگان این حرفه باید دارای هوش و فراست و معلومات وسیع باشند . علاوه بر این از تجربیات و قدرت مشاهده و استدلال خواه‌غریزی و خواه اکتسابی برخوردار باشند .

روزنامه‌نگار بعنوان نویسنده وثبت‌کننده تاریخچه وقایع باید معلم و مفسر خوبی باشد . قوانین زیر بمنظور تعیین میزانی برای طرز عمل و نشان دادن هدفها و خواسته‌های روزنامه‌نگاری در آمریکا تدوین گردیده است :

۱- مسئولیت : حق روزنامه نگار در زمینه جلب توجه و حفظ خوانندگان با هیچ چیز محدود نشده مگر رعایت رفاه عمومی . استفاده‌ای که از جلب توجه مردم عاید يك روزنامه میشود میزان مسئولیت وی و همکارانش را معین می‌کند . روزنامه‌نگاری که از قدرت خود برای مقاصد خودخواهانه و بدون ارزش استفاده میکند در يك امانت بزرگ خیانت روا داشته است .

۲- آزادی مطبوعات : آزادی مطبوعات را باید بعنوان یکی از حقوق اساسی بشر حفظ و حراست کرد . بحث در اطراف مطالبی که بر طبق قانون صریحا منع نموده است از قبیل

بحث در اطراف بحق بودن و یا نبودن قوانین محدود کننده ، حق مسلم روزنامه نگار است.

۲- استقلال : آزادی از قید کلیه تعهدات بجز وفاداری نسبت به منافع عمومی حائز اهمیت فراوان است .

الف - کمک به پیشرفت هرگونه منافع خصوصی مخالف با رفاه عمومی ، بهر مقصود و منظوری که باشد با روزنامه نگاری مشروع مطابقت نمی کند . اخبار راجع به نگاههای خصوصی و غیر دولتی را هنگامی باید منتشر کرد که اخبار مزبور مستقیماً از خود آن موسسات دریافت شود ، مگر اینکه اخبار مربوط بآنها از لحاظ شکل و مفهوم مهم باشد و ارزش خبری داشته باشد . در اینصورت می توان بدون مراجعه به منبع اصلی بدرج آنها مبادرت ورزید .

ب - طرفداری و هواخواهی در ضمن سرمقاله چنانچه حقیقت را پایمال کند نسبت به بروج روزنامه نگاری آمریکا تجاوز محسوب میشود ، چنانچه اینکار در ستون اخبار صورت گیرد یکی از اصول اساسی این حرفه منهدم و واژگون شده است .

۴- صداقت ، صحت ، دقت : داشتن صداقت و صمیمیت با خوانندگان اساس کار روزنامه نگاری خوب را تشکیل میدهد .

الف - روزنامه ای که نسبت به خوانندگانش دارای صداقت و صمیمیت است ناگزیر جز راست بآنها نمی گوید .

عدم دقت و عدم موفقیت در مورد ملاحظه قرار دادن این خصوصیات بهیچوجه برای يك روزنامه نگار بخشودنی نیست .

ب - باید کوشید تا حدامکان عناوین با مندرجات مقاله ای که زیر آن نوشته میشود مطابقت داشته باشد .

۵- بیطرفی : روزنامه نگار خوب بیس گزارش اخبار و بیان عقیده تفاوت قائل است . گزارش اخبار باید خالی از اظهار عقیده و یا هر نوع تعصبی باشد .

این قاعده را درباره مقالات بخصوصی که بمنظور مدافعه نوشته می شود و یا مقالاتی که دارای امضاء می باشد و به نویسندگان اجازه استنتاج و تفسیر میدهد ، نباید بکار برد .

۶- انصاف : روزنامه نباید به درج اتهامات غیررسمی که در شهرت و یا مشخصات اخلاقی اشخاص تاثیر دارد مبادرت ورزد ، بی اینکه بمتهم مجال سخن گفتن بدهد . بلکه شایسته است که در کلیه موارد اتهامی چه

بزرگ و کوچک که در مراجع قضائی مطرح نگردیده است به متهم فرصت سخن گفتن داده شود .

الف - روزنامه نباید مسائل خصوصی اشخاص را افشا کند ، مگر هنگامیکه حقوق اجتماعی چنین کاری را ایجاب کند ، نه آنکه حس کنجکاوای مردم آنرا خواسته باشد .

ب - یکی از امتیازات و وظائف روزنامه نگار این است که اشتباهات بزرگ خود را ، اصل و منبع آنها هرچه باشد ، چه اشتباهاتی که در ضمن بیان حقایق مرتکب گردیده و چه آنهاییکه در ضمن اظهار عقاید بدانها دچار شده است بیدرنگ و بطور کامل تصحیح کند .

۷- مراعات ادب : چنانچه روزنامه ای

نیل به هدف های عالی اخلاقی را بخوانندگان خود توصیه کند ولی با ذکر جزئیات جنایات و کارهای ناشایست که دانستن آنها به خیر و صلاح عموم نیست محرك فساد اخلاق شود ، ناگزیر بعدم صمیمیت محکوم خواهد گردید ، چون روزنامه در مورد اجرای قوانین از خود اختیاری ندارد بلکه تنها کاری که میتواند انجام دهد این است که جنایات و کارهای ناشایست را بدانسان شرح دهد و آنها را به شیوه ای تعبیح کند که مردم نسبت بآن اعمال احساس انزجار و تنفر کنند و در جز این صورت دچار محکومیت حرفه ای خواهد گردید . این قوانین برای تعقیب حرفه روزنامه نگاری بطور کلی شامل موازین است که توسط هیئتی مرکب از سردبیران مهمترین و با نفوذ ترین روزنامه ها بتصویب رسیده است . بنا بر این ممکن است چنین تصور شود که این قوانین می توانند در زمینه چگونگی اصول اخلاقی که باید در همه جا و در همه احوال در حرفه روزنامه نگاری رعایت شوند مبین عقاید یکسان و هم آهنگی باشند .

ولی در حرفه روزنامه نگاری اعلام اصول ، با بکار بستن آنها تفاوت بسیار دارد . بعبارت دیگر ایمان داشتن با اصول يك امر و به مرحله اجرا گذاردن آنها امر دیگر است . قواعد و اصولی که برای حق و حقیقت تدوین گردیده است بجز در مواردی که بوسیله مجازات قابل اجرا میباشد کاری نمیتواند انجام دهند ، جز اینکه موازین معینی را برای هدایت اشخاصی که بشناختن و بکار بستن آنها متمایلند خاطر نشان سازد و برای آن دسته از اشخاصی که بشناختن آنها تمایل ندارند میزانی برای تعیین جرم و تقصیر باشند . هر فردی باید این قبیل

موازین را برحسب معنی و مفهومی که از آنها درک کرده و برحسب میزان آگاهی که نسبت بدانها دارد بکار بندد . بنابراین حتی در بین افرادی که بدرستکاری تمایل دارند در زمینه میزان یا چگونگی رعایت آنها اختلافی موجود است . طرز فکر و وجدان اشخاص را نمیتوان بوسیله هیچ قاعده و یا قانونی برطبق نمونه و یا معیار درآورد .

با وجود این تکامل و پیشرفت مجموعه ای از موازین اخلاقی و قرار دادن آن مافوق کلیه کوششهای بشر در رشته های مختلف لازم و ضروری است ، زیرا تا هنگامیکه اصول حق و حقیقت درک و تشکیل نگردد مردم بطور کلی نخواهند توانست حق را از ناحق تشخیص دهند . ولی موقعیکه اصول مزبور تشکیل و تدوین شده و بعنوان يك مقیاس کلی برای حق مورد قبول واقع گردید در زمینه قالب گیری و هدایت تمایلات عمومی تاثیر و نفوذ خواهد کرد و با موافقت مردم دامنه این نفوذ روز بروز توسعه خواهد یافت .

پیشرفت روزنامه نگاری از لحاظ مادی یکی از شکفتنی های دنیای جدید است و چیزی است که باید بآن افتخار کرد . باید گفت که این پیشرفت بدون میزان معینی از پیشرفت اخلاقی که موجب رضامندی و خشنودی هر روزنامه نگار علاقه مند است انجام نگرفته . بدیهی است ، در این حرفه مانند سایر حرفه یافتن موارد استثنائی مشکل نیست ولی بطور کلی روزنامه نگاری ترقی کرده است و در زمینه نظریه آن نسبت بحق و چگونگی خدمات و درک مسئولیت ها و تعهدات و تاکید حقیقت و رعایت عدالت در بحث ها ، پشتیبانی از منافع عمومی همچنان در حال پیشرفت است و توأم با این پیشرفتها یکنوع آگاهی حرفه ای ایجاد شده که وسعت نظر بیشتری را در رشته و حوزه روزنامه نگاری میسر میسازد ، باین منظور که مقام این حرفه ارتقاء یابد ، وضع آن بهبود پیدا کند و انگیزه برای مطالعه مسائل مشترک بمنظور رفاه همگانی افزایش یابد . قوانین روزنامه نگاری یکی از ثمرات این پیشرفت است . و بخودی خود نشانه ایست که از پیشرفت اخلاقی در روزنامه نگاری حکایت میکند ، حرفه ای که میتواند با عالیترین و بزرگترین و پر قدرت ترین موسساتی که بمنظور پیشرفت اخلاقی و مادی بشر ایجاد شده است و پیشرفت های بیشتری را در آینده تضمین میکند در يك ردیف قرار گیرد .